

آیا بن لادن فراموش شده است؟

آیا دیگر اسامه بن لادن فرد مهمی در جنگ علیه تروریسم محسوب نمی‌شود؟ طی چند ماه گذشته کارشناسان مبارزه با تروریسم و مقامات رسمی چندین سازمان اطلاعاتی به این نتیجه رسیدند که رهبر القاعده دیگر تهدیدی برای غرب محسوب نمی‌شود. به گزارش ایسنا هفته‌نامه تأیید در گزارشی نوشته است: «کارشناسان معتقدند که اسامه بن لادن، رهبر القاعده از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به بعد دیگر تهدیدی برای آمریکا محسوب نمی‌شود و دقیقاً از سه تابستان گذشته، که بسب گذاری‌های مترو لندن رخ داد، تاکنون انگلیسی‌ها از دست او رهایی یافته‌اند. دستاوردها و موفقیت‌های بن لادن درعراق نیز همانند راه رفتن روی طناب است. رهبر القاعده همچنین در کشورهای عربی نیز دیگر محبوبیت هفت سال گذشته را ندارد و به شدت در این کشورها به چهره‌ای منفور تبدیل شده است. بسیاری از طرفداران سابق اسامه دیگر به عقاید اسامه اعتقادی ندارند. حتی پیام‌های اسامه که زمانی لرزه به اندام اشخاص دیگر می‌زدند اکنون مدت‌هاست که روی اینترنت قرار دارد اما در میان خیرهای دنیا هیچ برجستگی ندارد. چند نفر وجود دارند که در پیام اخیر بن لادن در ماه مه در دیده‌بان‌ها به نظر نمی‌رسد

دو دهه پس از شکل‌گیری القاعده در پیشاور پاکستان اکنون القاعده همچنان رهبری برخی گروه‌های تندرو در سراسر جهان را بر عهده دارد اما بن لادن دیگر رهبر این گروه به شمار نمی‌رود

مبارزه‌ای که شبه‌نظامیان القاعده آغاز کرده‌اند مبارزه‌ای بی‌رهبر و بی‌فرمان‌واست. دو دهه پس از شکل‌گیری القاعده در پیشاور پاکستان اکنون القاعده همچنان رهبری برخی گروه‌های تندرو در سراسر جهان را بر عهده دارد اما بن لادن دیگر رهبر این گروه به شمار نمی‌رود. اکثر کارشناسان اروپایی مبارزه با تروریسم نیز در کنفرانسی در ماه مه در ایتالیا این موضوع را به روشنی اعلام کردند. اگر بخواهیم برای بن لادن نقشی در مبارزات افراطی القاعده قائل شویم، می‌توانیم تنها او را عضو یکی که زمانی موثر بوده، بخوانیم.

مبارزه‌ای که شبه‌نظامیان القاعده آغاز کرده‌اند مبارزه‌ای بی‌رهبر و بی‌فرمان‌واست. دو دهه پس از شکل‌گیری القاعده در پیشاور پاکستان اکنون القاعده همچنان رهبری برخی گروه‌های تندرو در سراسر جهان را بر عهده دارد اما بن لادن دیگر رهبر این گروه به شمار نمی‌رود. اکثر کارشناسان اروپایی مبارزه با تروریسم نیز در کنفرانسی در ماه مه در ایتالیا این موضوع را به روشنی اعلام کردند. اگر بخواهیم برای بن لادن نقشی در مبارزات افراطی القاعده قائل شویم، می‌توانیم تنها او را عضو یکی که زمانی موثر بوده، بخوانیم.

رهبرالقاعده این روزها شخصیتی شبیه «رابین هود»، قهرمان یکی از کارتون‌های پرطرفدار دارد. بسیاری از او الهام می‌گیرند اما تعداد اندکی حاضر به اجرای دستورهای وی هستند. چرا بسیاری از رهبران سیاسی همچنان از تهدید القاعده و خود بن لادن صحبت می‌کنند؟ چرا سازمان اطلاعاتی ملی آمریکا مدعی است که القاعده همچنان از قدرت لازم برای انجام عملیات‌های برنامه‌های سیاست خارجی کاخ سفید قرار خواهد داشت؟ «تایم نوشته است: «مدارک موجود بر این حقیقت تأکید دارند که مرد شماره یک القاعده همچنان امنیت جهانی را تهدید می‌کند. با وجود تمامی خوشبینی‌های کارشناسان در مورد کم‌رنگ تر شدن نقش بن لادن، حقیقت این است که رهبرالقاعده تأثیر بسزایی بر جمعیت افراطیون در سراسر دنیا دارد. از زمستان سال ۲۰۰۱ که بن لادن از کوه‌های افغانستان فرار کرد، هفت سال گذشته است. در طول این سالها القاعده اقدامات تروریستی را علیه نیروهای خارجی در افغانستان و پاکستان انجام و انفجارهای تروریستی فراوانی را در اقصی نقاط دنیا ترتیب داده است. هر طایان دویاره



هزاران انسان بی‌گناه را می‌گیرد و می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده نیز این تهدیدها ممکن است امنیت جهان را به شدت تهدید کند. درست است که عملیات‌های افراطیون القاعده در حال حاضر کمتر شده است اما این گروه در حال حاضر بسیار مهت‌تر از هفت سال پیش شده است. ویژگی اصلی القاعده این است که هیچ فردی نمی‌تواند تاکنیک بعدی این گروه را پیش‌بینی کند، شاید نیز به این خاطر است که نمی‌توان گفت بن لادن دیگر یک فرد مهم محسوب نمی‌شود.»

امنتی آمریکا نیز نگران هستند که با حضور افراطیون جدید القاعده تجدید قوا کند. ۱۷ سازمان اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۰۷ اعلام کردند که القاعده دویاره به افغانستان بازگشته است. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون احتمال انجام عملیات‌های تروریستی در خاک آمریکا تقریباً به صفر رسیده است. آمریکا در راستا تدابیر جدی را اتخاذ کرده است چون هنوز رهبر القاعده تهدیدی برای امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. «در انتهای این گزارش آمده است: «عملیات‌های انتحاری در سراسر جهان هر روز جان

دیگر هستند. در هفتم ژوئیه ۲۰۰۵ راهنمایی القاعده که تندرهای انگلیسی با وجود عدم برخورداری از رهبری موق در مترو لندن آمریکا کردید که القاعده دویاره به افغانستان بازگشته است. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تاکنون احتمال انجام عملیات‌های تروریستی در خاک آمریکا تقریباً به صفر رسیده است. آمریکا در راستا تدابیر جدی را اتخاذ کرده است چون هنوز رهبر القاعده تهدیدی برای امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. «در انتهای این گزارش آمده است: «عملیات‌های انتحاری در سراسر جهان هر روز جان

نقش ارتش در نظام سیاسی ترکیه

توانایی آنها در مهار ارتش است که سبب ایجاد موقعیتی به نام نظامی‌گرایی می‌شود. در نظامی‌گرایی مدرن، ارتش آماده دخالت در حیات سیاسی کشورها است. روسو و هانتینگتون معتقدند محرکی که سبب می‌شود تا ارتش یک کشور در امور سیاسی آن دخالت کند به گذشته و تاریخچه ارتش ارتباطی ندارد بلکه به برهم کنش ارتش با سیستم سیاسی در ارتباط است. کشورهایی که به سمت یک سیستم سیاسی مدرن گام برمی‌دارند باید این نکته را بدانند که در یک سیستم سیاسی مدرن دولت‌ها از یک سو باید توانمند مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه را حل کنند و از سوی دیگر جامعه، دولت را منبع به حق قدرت بداند و دنباله ور دولت باشد. افزایش و غیر قابل کنترل بودن دخالت تشکل‌هایی مانند دانشگاه‌ها، دیوان سالارها، انجمن‌های صنفی و البته ارتش در تمامی مشکلات سیاسی که لزوماً به حوزهٔ آنها نیز ارتباطی ندارد ناشی از نبود استقلال، انسجام و سازگاری سازمان‌های سیاسی است. فزونی مشارکت سیاسی معمولاً با اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در جوامع نظامی گرا موجب ناآرامی و هرج و مرج می‌شود، چرا که اکثریت فعالان اجتماعی در جایگاهی قرار دارند که مدیریت منسجمی ندارد. در چنین خلأ سیاسی، گروه‌های اجتماعی در امور سیاسی مداخله می‌کنند و هر کدام از آنها سعی در پیاده کردن برنامه‌های خود دارند. در چنین شرایطی است که ارتش به کودتا متوسل می‌شود. در چنین شرایطی ارتش می‌تواند دو نقش را عهده دار شود: نقش حاکم و یا نقش میانجی. از آنجا که در این مقاله در صدد هستیم که بر بررسی اوضاع ترکیه بپردازیم، بنابراین بر بررسی نقش میانجی گر ارتش می‌پردازیم. چرا که با وجود بروز سه کودتا در ترکیه همواره شاهد بودیم که ارتش پس از به دست گرفتن قدرت دویاره دولت را به دست غیر نظامیان سپرده است. در اینجاست اشاره کوتاهی به نقش حاکم ارتش می‌کنیم. در چنین شرایطی، ارتش اقدام به تغییر قدرت سیاسی حاکم می‌کند و قانونی بودن دولت را به چالش می‌کشد و پس از آن قدرت را به دست گرفت، آن را به غیر نظامیان واگذار نمی‌کند. نقش واسطه ارتش زمانی است که ارتش برای مدت کوتاهی قدرت را به دست می‌گیرد تا قوانین را تغییر دهد و مهرباهای قدرت را جا به جا کند. هدف ارتش، افزایش قدرت نیست. پس از مدت کوتاهی قدرت را دویاره به غیر نظامیان واگذارمی‌کند اما همچنان بر روی دولت تأثیرگذار است و همواره نگران اقدام تلافی‌جویانه غیر نظامیان است. در چنین مواردی ارتش حقوق غیر نظامیان را از بین

نمی‌برد اما گاه به گاه درصدد محدود کردن قدرت غیر نظامیان در صحنه سیاسی کشور است. کودتا برای ارتش که دارای نقش واسطه است آخرین گزینه به شمار می‌رود و ارتش ترجیح می‌دهد تا فشار بر گروه‌های مختلف از بروز کودتا جلوگیری کند. اگر عرصه درجه پیچیدگی‌های اجتماعی سدی است برای نمایش قدرت ارتش. زمانی که گروه‌های اجتماعی بیشتری در صحنه سیاسی ظهور پیدا کنند، اجتماع نا همسان می‌شود و دخالت را برای ارتش دشوار می‌کنند. در چنین شرایطی میزان خشونت در یک کودتا کاهش پیدا می‌کند. ارتش در ترکیه نیز چنین نقشی دارد. ارتش نقش محافظ را دارد و از نظام لایک و اندیشه کمالیست محافظت می‌کند و زمانی که سازمان‌های غیر نظامی ضعیفی می‌شوند وارد صحنه سیاسی می‌شود. ترکیه حتی در دهه ۱۹۶۰ از نظر سازمانی کشور ضعیفی به شمار نمی‌رفت. در نگاه اول به نظر می‌رسد که کودتای دهه ۱۹۶۰ در ترکیه با سردرگمی مواجه شد. ترکیه از نظر تاریخی کشوری



ارتش ترکیه، درست با غلط نقش اجتناب‌ناپذیری در حیات سیاسی این کشور ایفا می‌کند. ارتش ترکیه خود را نه تنها ضامن امنیت ملت کشور می‌داند بلکه، حفاظت از ایده‌های مصطفی کمال آتاتورک را نیز از وظایف خود می‌داند. ارتش ترکیه، چه درست و چه غلط نقش اجتناب‌ناپذیری در حیات سیاسی این کشور ایفا می‌کند. ارتش این کشور نهادی

دولت‌هایی که در ترکیه روی کار آمده‌اند، برخوردی متفاوت با ارتش داشته‌اند. برخی از آنها از اهمیت ارتش در بدنه قدرت داشته‌اند. این در حالی است که برخی دیگر تمرکز بیشتری بر روی نقش ارتش داشته‌اند

است بسیار منسجم و یکپارچه و عاری از فساد. ارتش ترکیه خود را نه تنها ضامن امنیت ملت کشور می‌داند بلکه، حفاظت از ایده‌های مصطفی کمال آتاتورک را نیز از وظایف خود می‌داند. ارتش ترکیه، چه درست و چه غلط نقش اجتناب‌ناپذیری در حیات سیاسی این کشور ایفا می‌کند. ارتش این کشور نهادی

اجتماعی اجازه دهد تا به طور گسترده کنترل امور را به دست بگیرند. گزینه آخر همان گزینه‌ای است که ارتش ترکیه با برگرداندن قدرت به دست غیر نظامیان از آن استفاده کرده است و به غیر نظامیان این اجازه را داده است که زیر چتر یک رهبر جدید به حیات سیاسی خود ادامه دهند. دولت‌هایی که در ترکیه روی کار آمده‌اند، برخوردی متفاوت با ارتش داشته‌اند. این در حالی است که اهمیت ارتش در بدنه قدرت کاسته‌اند. این در برخی از آنهاست که برخی دیگر تمرکز بیشتری بر روی نقش ارتش داشته‌اند. گزینه دوم همواره در میان دولت‌های ترکیه طرفدار بیشتری داشته است. نمونه اخیر آن دولت نجم‌الدین اربکان است که با افزایش حقوق ارتش این کشور اعلام کرد که ارتش ترکیه نور چشم مردم این کشور است. در نوامبر سال ۱۹۹۷، حزب رفاه، به رهبری نجم‌الدین اربکان، که در ترکیه نیز ضد سکولار به دادگاه قانون اساسی فراخوانده شد و در ۱۶ ژانویه سال ۱۹۹۷، اربکان و پنج نفر از اعضای کابینه وی به همراه یکی از شهرداران حزب رفاه به مدت پنج سال از فعالیت‌های سیاسی منع شدند و دادگاه قانون اساسی به دلیل فعالیت‌های ضد سکولار و ترویج اسلام تعطیل اعلام کرد. ارتش ترکیه بار دیگر روش منحصر بفرده خود را در استقرار

ارتش درحال حاضر نقش فعالی در روند پرونده حزب عدالت و توسعه ندارد

دموکراسی در این کشور اثبات کرد. اقدامات ارتش ترکیه هر چند در بسیاری از کشورها به عنوان اقدامی غیردموکرات شناخته می‌شود اما در ترکیه ارتش همواره سعی در استقرار دموکراسی داشته است. اکنون دادگاه قانون اساسی درصدد تعطیلی حزب عدالت و توسعه است. هر چند برخی معتقدند که ترکیه کودتایی دوران اربکان مقایسه کرد، چرا که قدرتی که امروز در دست حزب عدالت و توسعه است با قدرت حزب رفاه قابل مقایسه نیست. ارتش درحال حاضر نقش فعالی در روند پرونده حزب عدالت و توسعه ندارد. هر چند برخی معتقدند که ترکیه کودتایی قضایی را پشت سر می‌گذارد و ارتش مهره اصلی در پشت پرده دادگاه قانون اساسی است. اما امروز ارتش در انتظار رای دادگاه قانون اساسی است اما اقدامات لازم را پس از آن رای دادگاه و رای صحنه سیاسی ترکیه بنگارد. باید منتظر ماند و دید که این بار ارتش چه نقشه‌ای برای حفظ دموکراسی در ترکیه دارد؟ منبع: دیپلماسی ایران

آگهی ابطال عقاد رای

چون به موجب آ.شمار ۱۲۶۲۵ - ۸۷/۴۶/۱ - شماره ۱۳ هیات حل اختلاف موضوع فوق و ک. ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰ و ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ و ۱۰۱۳ و ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ و ۱۰۱۶ و